

Received: 2022/5/2

Accepted: 2023/1/15

from 197 to 212

Maryam TafarajiYeganeh

Assistant professor of English
language and literature department
of Ilam University, Ilam, Iran.
Corresponding Author
m.tafaraji@ilam.ac.ir

NooshinKhosravi

MA student of linguistics, Ilam
University, Ilam, Iran
nooshinkhosravi4@gmail.com

Keywords:

image schemas, schemas (path,
force, container), Nahjolbalaqeh.

An educational investigation of different types of visual schemas in Nahj al-Balaghah

Abstract

This study aims at analyzing the sermons of Imam Ali in Nahjolbalaqeh. In this sense, this study considers the frequency of schemas in the mentioned book. The visual schemas used in the selected sermons were extracted and then descriptively examined from a religious and linguistic perspective.

The results show that there are all kinds of image schemas (container- path- force) and there are also some sentences which show they have two kinds of schemas. Moreover, the results show that, between the image schemas, the path schemas have the most frequent ratio in the sermons, which from an educational perspective is a kind of emphasis on the path of life, transience and it is mortal, starting from a point and ending somewhere.

Container schemas have the most frequent ratio after path schemas. This in terms of education indicates the existential capacity of human beings, in which force and motion are present in the volumetric schema. Eventually, the force schemas and the schemas which are related to two groups have the least frequent in the table of frequency. This, in terms of education, can indicate the limited power of man and his inability to face the eternal divine power. Most of the considered sermons showed by his power and his loneliness tries to guide his people with his senders like (Imams and prophets).

نگاه تربیتی به انواع طرح‌واره‌های تصویری در نهج‌البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

از صفحه ۱۹۷ تا صفحه ۲۱۲

چکیده

طرح‌واره‌های تصویری از مهم‌ترین موضوعات در زبان‌شناسی شناختی و بیانگر فرایندهای شناختی هدر اثر تجربه‌های فیزیکی انسان در مواجهه با جهان خارج شکل می‌گیرند و درک مفاهیم انتزاعی را به‌گونه‌ای میسر می‌کنند. پژوهش حاضر بر اساس نظریه‌ی طرح‌واره، به بررسی تعدادی از خطبه‌های امام علی^(ع) در کتاب نهج‌البلاغه در چارچوب زبان‌شناسی شناختی پرداخته است. هدف از این پژوهش بررسی میزان بسامد طرح‌واره‌های تصویری و تحلیل تربیتی کاربرد آن‌ها در خطبه‌های نهج‌البلاغه است، بدین‌صورت که طرح‌واره‌های تصویری به‌کاررفته در خطبه‌های منتخب استخراج و سپس به‌صورت توصیفی-تحلیلی و از دیدگاه دینی و زبان‌شناختی بررسی شدند. بر اساس یافته‌ها، در خطبه‌های بررسی‌شده، انواع طرح‌واره‌های تصویری (قدرتی، حرکتی، حجمی) وجود دارد و همچنین جملاتی در خطبه‌ها هست که نشان‌دهنده‌ی وجود همزمان دو نوع طرح‌واره است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از میان طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره‌ی حرکتی بیشترین بسامد را در میان خطبه‌ها به خود اختصاص داده است که از دیدگاه تربیتی، به‌نوعی تأکید بر مسیر زندگی، گذرایی و فانی بودن آن است که از یک نقطه شروع و در جایی به پایان می‌رسد؛ همچنین این طرح‌واره نشان‌دهنده‌ی عزم و اراده، جنبش و حرکت و پویایی است. طرح‌واره‌ی حجمی نیز پس از طرح‌واره‌ی حرکتی، بیشترین بسامد را داشت و در واقع، به لحاظ تربیتی دال بر ظرفیت وجودی انسان است؛ زیرا نیرو و حرکت توأمان در طرح‌واره‌ی حجمی موجود است. درنهایت، طرح‌واره‌ی قدرتی و طرح‌واره‌هایی که دوجانبه و متعلق به دو گروه هستند، کمترین بسامد را در جدول فراوانی به خود اختصاص داده‌اند. این امر هم به لحاظ تربیتی، دال بر قدرت محدود انسان و ناتوانی او در برابر قدرت لایزال الهی می‌تواند باشد. غالب خطبه‌های بررسی‌شده گویای این واقعیت هستند که خداوند به‌واسطه‌ی قدرت و یگانگی خود، برای هدایت بندگانش به‌وسیله‌ی فرستادگانش (امامان و پیامبران) تلاش داشته است

مریم تفرجی یگانه

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
دانشگاه ایلام، (نویسنده مسئول)
m.tafaraji@ilam.ac.ir

نوشین خسروی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی
دانشگاه ایلام.

nooshin.khosravi4@gmail.com

واژگان کلیدی:

طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره‌ی حرکتی، طرح‌واره‌ی قدرتی، طرح‌واره‌ی حجمی، نهج‌البلاغه.

نگرش شناختی یکی از دیدگاه‌های غالب در زبان‌شناسی است. «رویکرد زبان‌شناسی شناختی زبان را به‌عنوان ابزار برای کشف ساختار نظام شناختی انسان در نظر می‌گیرد.» معنی‌شناسی شناختی جزئی از زبان‌شناسی شناختی است که روی طرح‌ها و سازوکارهای شناختی تأکید می‌کند که در ورای فعالیت‌های زبانی قرار دارند. «در معنی‌شناسی شناختی، عملکردهای عالی شناختی که مفهوم و استدلال را ممکن می‌سازد، در حقیقت امتداد فعالیت‌های حواس و غیرقابل‌تفکیک از آن‌ها است» (گلفام، ۱۳۸۱، ص ۶۱). نگرش معنی‌شناسی شناختی^۱ را می‌توان در آثار لانگاکر^۲، لیکاف^۳، بروگمن^۴، جانسون^۵، فوکونیه^۶، تالمی^۷ و سویستر^۸ مشاهده کرد (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۵). اصطلاح معنی‌شناسی شناختی را اولین بار لیکاف مطرح کرد و نگرشی را معرفی نمود که توجه بسیاری از معنی‌شناسان را جلب کرد. در چارچوب این نگرش، دانش زبانی از اندیشیدن و شناخت مجزا نیست. طبق نگرشی که لیکاف به معنی دارد، انسان از جهان خارج تجربه‌هایی را کسب می‌کند و به‌صورت مفاهیم در ذهن خود ذخیره می‌سازد و سپس از آن‌ها برای ایجاد ارتباط بهره می‌گیرد. فرایندهای مفهومی که اساس شکل‌گیری نشانه‌ها هستند، موردتوجه معنی‌شناسان شناختی قرار می‌گیرند. بر اساس این، تعامل با جهان به‌وسیله‌ی ساختارهای اطلاعاتی ذهنی امکان‌پذیر است. استعاره یکی از این ساختارها و فرایندهای مفهومی است (همان، ۱۳۸۷، ص ۳۶۵). در واژه‌نامه‌ی زبان‌شناسی، «استعاره»^۹ این‌چنین تعریف شده است: «استعاره صنعتی است که از طریق آن، چیزی در قالب چیز دیگری بیان شود؛ در نتیجه، استعاره خصیصه‌ای رایج در همه‌ی زبان‌های طبیعی است. با وجود اینکه استعاره از زوایای متفاوت در رشته‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما زبان‌شناسان و دانشجویان زبان‌شناسی حقیقتاً استعاره را پاره‌گفتار زبانی در نظر می‌گیرند که توسط گوینده تولید شده و توسط شنونده تحلیل و پردازش می‌شود» (بیابانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). بر اساس دیدگاه لیکاف و جانسون، استعاره یکی از عناصر اصلی در فرایند اندیشیدن به‌شمار می‌آید و به زیرساخت‌های بنیادین همانند طرح‌واره‌های تصویری^{۱۰} مربوط می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۷). طرح‌واره‌های تصویری از جمله ساخت‌های موردتوجه و پراهمیت در پژوهش‌های معناشناسان شناختی است. هدف از این تحقیق بررسی انواع و میزان کاربرد طرح‌واره‌ها در خطبه‌های

1- cognitive semantic

2- langacker

3- lakoff

4- Brugman

5- Johnson

6- Fauconnier

7- Talmy

8- Sweetser

9- Metaphor

10- Image schemas

نهج‌البلاغه و ارائه‌ی تحلیلی تربیتی و زبان‌شناختی برای آن‌ها و درنهایت، پاسخ به این پرسش است که چه ارتباطی میان موضوع خطبه‌ها با طرح‌واره‌های مطرح‌شده وجود دارد.

نهج‌البلاغه و مفاهیم بلند آن ساختی اخلاقی و تربیتی دارد و یکی از مهم‌ترین کتب در میان آثاری است که گفتار حضرت علی^(ع) را ثبت و ضبط کرده‌اند و از موقعیت بالایی در فرهنگ اسلامی برخوردار است. یکی از راه‌های دستیابی به معانی و مقاصد ژرف نهج‌البلاغه، درک ساختار و عناصر ویژه‌ی کلامی آن است. از این میان، استعاره و طرح‌واره‌های تصویری از نشانگان خلاقیت و هوش محسوب می‌شوند. اهمیت استعاره به آن سبب است که در ساختار مفاهیم انتزاعی هست و در صورت تظاهر نکردن آن در سطح زبانی، بی‌شک بر مفاهیم حاکمیت دارد (جانسون، ۱۳۶۵، ص ۱۵۰-۱۵۳). مطالب کتاب نهج‌البلاغه در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مقوله‌بندی شده‌اند. تعداد خطبه‌ها بیش از ۲۴۰ خطبه است. بسیاری از اندیشمندان اسلامی در زمان‌های گذشته، شرح و تفسیرهای ارزشمندی بر کتاب نهج‌البلاغه نوشته‌اند که تنها تعداد کمی از آن‌ها در دسترس است. شرح‌های نهج‌البلاغه توضیحاتی است که دانشمندان اسلامی به‌منظور شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی مفهوم جملات و سخنان امام علی^(ع) به کمک منابع مختلف تاریخی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و غیره اظهار داشته‌اند. تعداد این شرح‌ها و ترجمه‌ها گاهی تا ۳۵۰ هم ذکر شده است و بیشتر شرح‌ها به زبان عربی بوده است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شارحی (۱۳۷۵)، فیض‌الاسلام (۱۳۷۹)، خزائی (۱۳۸۶) و ابن‌میثم (۱۳۶۲) اشاره کرد. در میان گزاره‌های شناخت‌گرایان بحث طرح‌واره‌ها و در نهج‌البلاغه ویژگی‌های مبدأ و مقصد بسیار حائز اهمیت است. این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی بر اساس رویکرد شناختی، به تحلیل و ترسیم طرح‌واره‌های تصویری و آموزه‌های دینی و تربیتی با ذکر مثال‌هایی از خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه پرداخته است و سعی در ارائه‌ی الگویی دارد که مطابق آن بتوان مفاهیم عمیق نهج‌البلاغه را بر اساس طرح‌واره‌های تصویری دسته‌بندی کرد و بدین ترتیب درک عمیقی از آن‌ها به‌دست داد. گفتنی است که چنین واکاوی و بررسی هم به لحاظ معرفتی حائز اهمیت است و هم به لحاظ فردی و اجتماعی، تأثیر شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد.

۱-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲، مقاله‌ی «استعاره، مجاز و طرح‌واره‌های تصویری، تجزیه‌وتحلیل الگوهای تعامل ادراکی» از الگا و لاسکو به چاپ رسید. این مقاله به بررسی سه طرح‌واره‌ی تصویری (با عنوان حجمی، حرکتی و قدرتی) بررسی‌شده است که در تعاملات ادراکی به‌ویژه در رابطه با مجاز نقشی ایفا می‌کنند. این تحلیل‌ها بیانگر وجود دو نقش عمده برای طرح‌واره‌های تصویری است: رابطه‌ای را شکل می‌دهند که میان مبدأ و حوزه‌ی مقصد ترسیم مجازی وجود دارد و ارزش‌های علمی عبارات را نیز فراهم می‌کنند.

در سال ۲۰۰۲، مقاله‌ی «طرح‌واره‌های تصویری موضوع و دیگر طرح‌واره‌های مربوطه» اثر فرانسیسکو سانتی بانز چاپ شد. در این مقاله تلاش گردید که طرح‌واره‌های تصویری «موضوع»

به صورت زبان شناختی ارائه شود. طرح‌واره‌ی تصویری «موضوع» یک طرح‌واره‌ی تصویری پایه در نظر گرفته شده است؛ یعنی طرح‌واره‌ای که در قالب راهنما برای فعال‌سازی الگوهای اضافی، از جمله الگوهای دیگر مربوط به طرح‌واره‌های تصویری عمل می‌کند. این امر بر رویه‌های متفاوتی از طرح‌واره‌ی سطح بالاتر تأکید دارد.

در سال ۱۳۹۱، مقاله‌ای با عنوان «بررسی طرح‌واره‌ی حجمی معبد و نور در مثنوی مولوی» اثر معصومه طاهری به چاپ رسید. نگارنده در این مقاله، با استفاده از طرح‌واره‌های حجمی، مفاهیم نور و معبد را بررسی کرد که آن‌ها را مهم‌ترین طرح‌واره‌ی تصویری می‌داند و در تعیین نگرش عرفانی به هستی از آن‌ها می‌توان بهره جست. هدف این پژوهش تبیین شواهدی در مثنوی مولوی است که در آن، برخی تجربه‌ها و مفاهیم عرفانی مجرد و انتزاعی از طریق طرح‌واره‌ی حجمی بیان می‌شوند. مولوی در بسیاری از ابیات، از طرح‌واره‌ی حجمی برای تعیین مفاهیم عرفانی بهره جسته است.

احمد رضا بیابانی (۱۳۹۱) نیز به بررسی استعاره‌ی جهت‌گیرانه^۱ و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار شاعر نامی شاملو پرداخته است. در این پژوهش، پس از ارائه‌ی تعاریفی کلی درباره‌ی این مسئله از قبیل آرای کلاسیک و رمانتیک، به شرح و بسط مبانی از سوی معنی‌شناسان شناختی، به‌ویژه مفاهیم بنیادینی مانند استعاره‌های جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری پرداخته است. نتایج بیانگر می‌کند، نظریه‌ی معاصر بر این باور است که استعاره نه تنها امری تزئینی و صرفاً ویژه‌ی زبان ادبی نیست، بلکه در عمل و اندیشه‌ی هر روز ما جاری و بسیار پرکاربرد است.

سیده مریم فاضلی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در تعدادی از ضرب‌المثل‌های موجود فارسی پرداخت. در این پژوهش، ۶۰ ضرب‌المثل از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی در چارچوب طرح‌واره‌های قدرتی ارزیابی شدند. میزان بسامد هر کدام از طرح‌واره‌های قدرتی در ضرب‌المثل‌های بررسی شده احتمالاً حاکی از آن است که رفتار ایرانیان در گذشته و حال، تابع اصول خاصی است، به این صورت که باید در برابر مشکلات مقاومت و پایداری داشته باشند و برای هر مشکلی به دنبال راهکار متناسب با آن باشند و سعی کنند بهترین راه‌حل را در مواجهه با مشکلات و رفع آن‌ها انتخاب نمایند.

در سال ۱۳۸۳، پژوهشی با عنوان «بحثی درباره‌ی طرح‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی» از کوروش صفوی به چاپ رسید. وی طرح‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی را معرفی کرد و به نقد و بررسی نگرش مربوط به آن پرداخت. صفوی ابتدا به آرای این دسته از معنی‌شناسان اشاره کرد؛ سپس عمده‌ترین طرح‌واره‌های تصویری را معرفی نمود و در نهایت، به بازبینی نگرش مربوط به آن پرداخت تا نقاط قوت و ضعف آن معلوم شود.

مهدی زمانی (۱۴۰۰) در پژوهشی، به بررسی و تفکیک ساخت‌های احساسی و ارادی تقوا در نهج‌البلاغه و تعامل آن‌ها با ساخت‌های باور، کردار و گفتار پرداخت. وی نشان داد که ملاک تفکیک مراتب تقوا نحوه‌ی معرفت به خداوند و نسبت انسان با اوست. هرچه مرتبه‌ی خداشناسی و

۱- از جهت گیری‌های فضایی مانند بالا و پایین، درون و بیرون ناشی می‌شوند.

انسان‌شناسی برتر باشد، تقوا در مرتبه‌ی بالاتری تحقق می‌یابد. نکته‌ی دیگر تأثیرگذاری دوسویه‌ی تقوا در ساخت‌های وجودی آدمی است. از سویی، تقوای کردار و گفتار محصول و نتیجه‌ی باور، احساس و عزم است؛ اما از سوی دیگر می‌تواند در جهت‌دهی و تقویت باورها، احساسات و خواست‌ها اثربخش باشد. کاربرد واژه‌ی تقوا در نهج‌البلاغه گستردگی تقوا در ساخت‌های مختلف و مراتب گوناگون را شامل می‌شود و با تفکیک آن‌ها، راه برای فهم معنا و ترجمه‌ی صحیح این واژه در موارد مختلف هموار می‌گردد.

پیمان صالحی و همکارانش (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی زبان‌شناختی تشبیهات تربیتی در داستان‌های قرآنی با تکیه بر رویکرد استعاره‌ی ساختاری لیکاف و جانسون»، به بررسی تشبیهات تربیتی در قرآن کریم بر اساس رویکرد استعاره ساختاری پرداختند. بدین صورت که از میان ۴۴ تشبیه قرآنی، ۱۵ تشبیه بر اساس رویکرد شناختی استعاره‌ی ساختاری در داستان‌های قرآن کریم، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بررسی شدند و سپس به منظور نشان دادن چگونگی عملکرد استعاره‌ی ساختاری، آیات در قالب طرح‌واره‌های مبدأ و مقصد ترسیم شدند. نتایج نشان داد که استعاره ساختاری با برقرار کردن ارتباط میان جنبه‌ی انتزاعی جنبه‌ی غیرانتزاعی تشبیه آن توانسته است مفاهیم انتزاعی را بر اساس مفاهیم ملموس، ترسیم و درک آن را برای مردم تسهیل کند. در تشبیهات تربیتی قرآن کریم، معمولاً قلمروهای مقصد انتزاعی‌تر و قلمروهای مبدأ ملموس‌تر و غیرانتزاعی‌تر هستند؛ بنابراین، زبان این امر را ممکن می‌سازد که در ذهن خویش، مفاهیم انتزاعی را بر اساس مفاهیم ملموس درک کنیم.

سعیدی و همکارانش (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی، به تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج‌البلاغه پرداختند. آنان نشان دادند که شناخت سازوکار تربیتی الگوها نقش مهمی در جهت‌دهی تربیتی به‌سوی کمال دارد. آنان با بررسی متن نهج‌البلاغه نشان دادند که شناخت مبانی فکری الگوی اخلاقی که عبارت از بینش او نسبت به توحید، معاد و دنیاشناسی است و به‌تبع این مبانی، آگاهی از اصول رفتاری الگو که در قالب اخلاق روایی در سخنان امام علی^(ع) آمده است، برای تربیتی نمونه‌های عینی را فراهم می‌کند که کشش و جذابیت دارند و سبب ایجاد انگیزه برای تشبه‌جویی تربیتی به الگوها برای نیل به سعادت و کمال می‌شود و ازجمله سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی است.

۲- تحلیل مسئله

تحلیل و تبیین آموزه‌های علوی و سخنان گهربار ایشان بی‌شک تجلی‌گر آموزه‌های قرآنی است؛ بنابراین، استخراج و تحلیل مؤلفه‌های زبانی و مفهومی عمیق این گفتمان می‌تواند تجلی‌گر آموزه‌های قرآنی و نبوی و مؤلفه‌ای مهم در شناخت مبانی فکری و تحلیلی باشد.

طرح‌واره‌های تصویری از مباحث موردتوجه و حائز اهمیت در پژوهش‌های معنی‌شناسان شناختی است. از دید جانسون، تجربیات ما از جهان خارج موجب شکل‌گیری ساخت‌هایی در ذهن می‌شود که بعداً ما آن‌ها را به زبان خود منقل می‌کنیم. این ساخت‌های مفهومی طرح‌های

تصویری هستند (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۸). بر اساس دیدگاه معنی‌شناسان، انسان تجربیاتی را از جهان خارج کسب و در ذهن خود به صورت مفاهیمی انباشته می‌کند که بایستی بتوانند به‌منظور برقراری ارتباط به‌کار بروند؛ بنابراین، ماهیتی قراردادی و اختیاری دارند. به بیانی ساده‌تر، یک طرح تصویری، ساختی مفهومی است که نمود آن در زبان برحسب تجربه‌ی ما از جهان خارج است. در پژوهش حاضر ابتدا مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری بررسی شده‌اند و سپس مصادیق هرکدام از این مقوله‌ها در خطبه‌های انتخابی کتاب نهج‌البلاغه استخراج و تحلیل گردیده‌اند. به‌منظور اختصار به ذکر چند نمونه از هر مورد اکتفا شده است.

۲-۱- طرح‌واره‌های تصویری

در موضوعات مهم پژوهش استعاره در قالب الگوی شناختی، لیکاف شیوه‌ی جالب و متفاوتی را ارائه می‌کند. وی احتمال می‌دهد که بسیاری از حوزه‌های تجربه به‌صورت استعاری و توسط شمار اندکی از طرح‌واره‌های انگاره‌ای ساخته و بررسی شوند (ذوالفقاری و عباسی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱). «لیکاف و جانسون تأکید دارند که استعاره عنصری اساسی در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ما است و به دیگر ساخت‌های اساسی از قبیل طرح‌واره‌های تصویری یا فضاهای ذهنی و امثال آن مربوط می‌شود» (صفوی ۱۳۷۸، ص ۳۶۷). روان‌شناسان شناختی این‌گونه تصور می‌کنند که فرایند شناخت در ذهن بر مبنای یک طرح‌واره صورت می‌گیرد که همانند شبکه‌ای از ساختارهای آگاهی و دانش، نحوه‌ی فعالیت ذهن را مشخص می‌کند. این طرح‌واره اساساً زمینه‌ای برای معنا بخشیدن به تجربه‌ها، حوادث، شخص، موقعیت و یا عناصر زبانی است (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱). طرح‌واره‌های تصویری و به‌ویژه مواردی که در خطبه‌های نهج‌البلاغه آمده است، ساده نیستند و می‌توانند ساختار پیچیده‌ای داشته باشند. طرح‌واره‌های موجود در خطبه‌های بررسی‌شده در نهج‌البلاغه، اساساً زیربنای استعاره‌ی مفهومی‌اند و سه قسمت مبدأ، مسیر و مقصد دارند. بر اساس تعریف جانسون، «طرح‌واره‌ی تصویری عبارت است از الگویی تکرارشونده و پویا از تعامل‌های ادراکی ما که به تجربه‌ی ما انسجام و ساختار می‌بخشد» (محمدی آسیابادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵). تصور ذهنی یا تصویر یکی از منابع استعاره است. طرح‌واره‌های تصویری از جمله ساخت‌های مفهومی مهم در پژوهش‌های معنی‌شناسی شناختی هستند. طرح‌های تصویری از اصلی‌ترین الگوهای شناختی‌اند که در رویکرد شناختی ساختار فضایی دارند. طرح‌واره‌های موجود در نهج‌البلاغه از مهم‌ترین ابزارهای مقوله‌بندی پدیده‌های جهان خارج‌اند. قابلیت مقوله‌بندی پدیده‌ها توسط طرح‌واره‌ها و نمونه‌های اعلا به شناخت انسان از جهان خارج کمک می‌کند و به آن نظم و سامان می‌دهد. طرح‌واره‌ها تحت تأثیر تجربیات فیزیکی و مادی حرکت، ویژگی ظرف و مظروفی و حجمی بودن پدیده‌ها، اعمال نیرو، حذف یا غلبه بر موانع، دوری و نزدیکی و سایر موارد مرتبط شکل می‌گیرند. طرح‌واره‌های استفاده‌شده در نهج‌البلاغه الگوهایی مفهومی هستند که در مراحل بعد، انسان آن‌ها را به حوزه‌های انتزاعی و غیرمادی بسط و گسترش می‌دهد (فضائلی و شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

۲-۱-۱- طرح‌واره‌ی حجمی^۱

طرح‌واره‌ی حجمی یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری انگاره‌ی لیکاف و جانسون است. جانسون و لیکاف اعتقاد دارند که انسان بر اساس وجود فیزیکی خود، بخشی از فضا را اشغال می‌کند که درک مفهوم انتزاعی «حجم» را آسان می‌سازد؛ پس در نتیجه، انسان مظروف ظرف‌ها و مکان‌هایی می‌شود که حجم دارند و از سوئی، این تجربه‌ی فیزیکی را به سایر مفاهیم حجم‌ناپذیر از نظر مفهومی و جوهری گسترش می‌دهد و در نهایت، طرح‌واره‌های انتزاعی از حجم‌های فیزیکی در ذهن انسان به وجود آورد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ص ۲۷۲). جسم و بدن انسان‌ها مقولات هندسی را به‌طور حسی تجربه می‌کند و از سوئی، ذهن مفاهیم را از طریق تطابق با امور حسی و مقولات عینی تجربه‌شده درک می‌نماید؛ بنابراین، طرح‌واره حجمی طرح‌واره‌های مهم ذهن آدمی هستند که در آن‌ها، قلمرو انتزاعی (مانند علی توی در درس افتاده و بابک توی حال خودش بود) طوری نشان داده می‌شوند که انگار حجم و فضای فیزیکی هستند و کسی می‌تواند داخل آن‌ها قرار بگیرد (فتوحی ۱۳۹۰، ص ۱۶۳). جانسون معتقد است که «انسان برحسب تجربه‌ی قرار گرفتن در مکان‌های دارای حجم، ویژگی حجم داشتن را به مفاهیمی گسترش داده است که برای آن‌ها حجم قابل‌تصور نیست» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۵). چند نمونه از مثال‌های یافت شده در خطبه‌های گهربار نهج‌البلاغه عبارت‌اند از:

۱. در خطبه‌ی ۳۵۰ نهج‌البلاغه در نکوهش دنیا و ترغیب به آخرت، دنیا به فرودگاه تشبیه شده است: «شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا دنیا جای پایداری نیست و فرودگاهی که در آن آب و گیاه تولید (و به آسودگی در آنجا بمانید)، نیست. به چیزهای فریبنده خود را آراسته و به آرایش خویش (مردم را) فریب داده است.» در این مثال، برای زندگی دنیوی که یک مفهوم ذهنی است، حجمی قائل شده است که کسی به داخل آن وارد یا خارج می‌شود.

۲. در خطبه‌ی ۶۶ درباره‌ی برگرداندن بیت‌المال می‌فرماید: «سوگند به خدا اگر بخشیده‌ی عثمان را بیابم، به مالک آن بازگردانم اگرچه از آن زن‌ها شوهر داده و کنیزان خریده شده باشد؛ زیرا در عدل و درستی (برای مردم در امر دین و دنیا) وسعت و گشایشی است... و بر کسی که عدل و درستی تنگ گردد (از رفتار بر طبق آن عاجز باشد، به‌طریق اولی) جور و ستم تنگ‌تر شود (عاجزتر و ناتوان‌تر باشد).» در موارد یادشده نیز، عدل و درستی و جور و ستم مانند یک ظرف، حجم دارند.

۳. «فَتَقَى مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَأَتْكِه (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱، ص ۲۸)؛ آنگاه میان آسمان‌های بلند را باز نمود و با انواع مختلف از فرشتگان پر کرد.» این جمله را با توجه به اینکه آسمان همانند یک ظرف یا مکان تلقی شده و خداوند میان این ظرف را با فرشتگان پر کرده است، می‌توان یک نمونه برای طرح‌واره‌های حجمی در نظر گرفت.

۴. «أَسَكَنَ سُبْحَانَهُ آدَمَ دَاراً أَرْغَدَ فِيهَا [عِشَّتَهُ] عَيْشَهُ وَ أَمَّنَ فِيهَا مَحَلَّتَهُ وَ حَدَّرَهُ إِبْلِيسَ وَ

1- Container schema

عَدَاوَتُهُ (همان)؛ آنگاه خداوند سبحان آدم را در بهشت جای داد، سزایی که زندگی در آن خوش و آرام بود و جایگاه همه ایمن و از ابلیس و دشمن بر حذر داشت.» در این جمله نیز، ما با طرح‌واره‌های حجمی روبرو هستیم؛ زیرا خداوند مهربان انسان را به واسطه‌ی مهربانی‌اش در بهشت قرار داد که به یک منزل و قرارگاه تشبیه شده که آرام و برحذر از بلاهاست.

۵. «صَافُونَ لَا يَتَزَايَلُونَ وَ مُسَبِّحُونَ لَا يَسْأَمُونَ (همان، ص ۲۸)؛ گروهی از آنان در صف ایستاده‌اند و گروهی از جای خود بیرون نمی‌روند.» در این جمله نیز شاهد طرح‌واره‌ی حجمی هستیم. به مکانی اشاره دارد که در میان آسمان‌های بلند فرشتگان جای داده شده‌اند و از این مکان بیرون نمی‌روند و به‌صفت ایستاده‌اند.

۶. «فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) عَلَمًا لِلسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَ مُنذِرًا بِالْعُقُوبَةِ، خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا حَمِيصًا وَ وَرَدَ الْأَخِرَةَ سَلِيمًا (همان، خطبه‌ی ۱۶۰)؛ همانا خداوند محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) را نشانه‌ی قیامت و بشارت‌دهنده‌ی بهشت و بیم‌دهنده‌ی کیفر قرار داده است. او با شکم گرسنه از این جهان رحلت کرد و با سلامت روح و ایمان به سرای دیگر وارد شد.» در این مورد نیز این دنیا به‌مثابه‌ی ظرف و حجمی است که روح از آن خارج می‌شود و جهان دیگر به‌مثابه‌ی یک ظرف و سرای دارای حجم است که روح به آن وارد می‌گردد.

در خطبه‌ی ۶۳ (دنیا محل امتحان)، هم دنیا به سرا و خانه تشبیه شده که در آن نوعی طرح‌واره‌ی حجمی است که انسان‌ها در آن قرار می‌گیرند:

«أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا وَ لَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا؛ ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً، فَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لَهَا أُخْرِجُوا مِنْهُ وَ حُوسِبُوا عَلَيْهِ وَ مَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لِغَيْرِهَا قَدِمُوا عَلَيْهِ وَ أَقَامُوا فِيهِ؛ فَإِنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفَيْءِ الظُّلِّ، بَيْنَا تَرَاهُ سَابِغًا حَتَّى قَلَصَ وَ زَائِدًا حَتَّى نَقَصَ؛ می‌دانید که دنیا سزایی است که کس از گزند آن در امان نماند، مگر به اعمال نیکی که هم در دنیا به‌جای می‌آورد. رهایی نیست برای کسی که در انجام دادن اعمال، همه‌ی همتش دنیا باشد. اهل دنیا گرفتار دنیا شده‌اند تا امتحان خود را بدهند. آنچه از دنیا برای دنیا می‌گیرند، باید که واپس نهند و حساب آن پس دهند و آنچه از دنیا برای توشه‌ی آخرت می‌گیرند، چنان است که آن را پیشاپیش فرستاده‌اند و در آن جهان از نعمت آن بهره‌یابند. دنیا نزد خردمندان همانند سایه‌ی زوال‌ظهر است که هنوز گسترده نشده، روی به کوتهی نهد و هنوز افزون نشده، نقصان پذیرد.»

۲-۱-۲- طرح‌واره‌ی حرکتی^۱

ما در گفتمان‌های روزمره‌ی خود شاهد تغییراتی هستیم که گویی بیانگر یک مسیر حرکت‌اند و انسان برای نیل به آن‌ها، باید از نقطه‌ای شروع به حرکت کند و به نقطه‌ی پایان برسد و در این حرکت و گذر به‌صورت آشکار یا نهان، طرح‌واره حرکتی مطرح است و نیازمند زمان است (بیابانی، ۱۳۹۱:۲۰). به اعتقاد جانسون، حرکت انسان و مشاهده‌ی حرکت سایر پدیده‌های در حال حرکت،

1- Path schema

تجربه‌ای در اختیار انسان قرار داده است تا به‌صورت انتزاعی، طرح‌واره‌ای از این حرکت فیزیکی در ذهن خود ایجاد کند و برای موجودات بدون تحرک و باثبات نیز چنین ویژگی‌ای را در نظر بگیرد؛ برای مثال، در خطبه‌ی اندرز و هشدار، ص ۱۰۲ چنین آمده است:

۱. «أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارُ وَ عَدَا السَّبَاقُ وَ السَّبَقَةُ الْجَنَّةُ وَ الْغَايَةُ النَّارُ.» بر اساس این شواهد چنین می‌فایند که برای بسیاری از پدیده‌ها مانند عمل خیر، مسیری در نظر گرفته‌اند که انسان در آن مسیر حرکت می‌کند و تلاش در پیشی گرفتن برای امر محبوب دارند.

۲. «الرَّحِيلُ وَشِيك (کوچ نزدیک است). (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۹۹)؛

در این حکمت انگاره ذهنی مرگ به یک سفر یا کوچ تشبیه شده که به نوعی حرکت در مسیری خاص است و به یک مقصد خواهد رسید.

۳- إِذَا كُنْتَ فِي إِدْبَارٍ وَ الْمَوْتُ فِي إِقْبَالٍ فَمَا أَسْرَعَ الْمُلْتَقَى. (حکمت ۲۹)

«هنگامی که تو زندگی را پشت سر می‌گذاری و مرگ به تو روی می‌آورد، پس دیدار با مرگ چه زود خواهد بود.»

در حکمت فوق نیز، زندگی به مسیری تشبیه شده که طی می‌شود و در نهایت رویارویی با مرگ در انتهای مسیر رخ می‌دهد، که به نوعی طرح‌واره حرکتی می‌باشد.

۴. هَلْ الدُّنْيَا كَرْكَبٌ يُسَارُ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامُ. (حکمت، ۶۴)؛

«مردم دنیا همچون مسافرانی هستند که حمل می‌شوند در حالی که در خواب فرورفته‌اند.»

در حکمت فوق نیز انسانها در مسیری حرکت داده می‌شوند با اینکه در خواب هستند و این خود گواه بر وجود طرح‌واره‌های حرکتی است.

۵. «وَ اللَّهُ لَقَدْ رَفَعْتُ مِذْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا (همان، خطبه‌ی ۱۶۰)؛ چه منت بزرگی خدا بر ما نهاده که چنین پیشوا و رهبری به ما عنایت کرده تا راه او را بپوییم و قدم در جای قدم‌های او نهیم.» در مورد بالا گام نهادن و حرکت در مسیر مشخص خاطرنشان شده است.

۲-۱-۳- طرح‌واره‌ی قدرتی^۱

در مبحث طرح‌واره‌های حرکتی به ساخت‌هایی اشاره شد که انگار حرکتی را در مسیری می‌نمایاند. حال شرایطی را در نظر می‌گیریم که در برابر این حرکت، سدی به‌وجود آید. به عقیده‌ی جانسون، انسان در مواجهه با چنین سدی، با امکانات متفاوتی روبرو است و قدرت خود را در برخورد با این سد می‌سنجد. به‌این‌ترتیب، الگویی از این برخورد فیزیکی در ذهن انسان به‌وجود می‌آید و باعث می‌شود که وی این کیفیت را به پدیده‌هایی نسبت دهد که در واقع بدون آن هستند. جانسون در این‌باره سه حالت را در برخورد با چنین سدی و سه طرح تصویری مربوط به آن‌ها را مطرح می‌سازد (صفوی ۱۳۸۲، ص ۶۹). طرح‌واره‌های قدرتی انواعی دارند. نخستین نوع طرح‌واره‌ی قدرتی حالتی است که در مسیر حرکت، سدی به‌وجود می‌آید که

۱- Force schema

قابلیت گذر ندارد و حرکت قطع می‌شود؛ به‌عنوان مثال:

نمونه ۱. «پس من هم در این مدت طولانی (ده سال و شش ماه) شکیبایی ورزیدم و با سختی محنت و غم همراه بودم.»
در این نمونه اگرچه نتوانسته بر مخالفانش پیروز شود و از سد بگذرد؛ اما تصمیم به صبر و شکیبایی گرفته‌اند.

دومین نوع طرح‌واره‌ی قدرتی آن است که در مسیر حرکت، مانعی ایجاد گردد و سه حالت مختلف را پیش روی ما قرار دهند: اول اینکه مسیر تغییر کند؛ اما این تغییر مسیر به گذر از آن سد منجر نشود؛ مثال: «این امتحان ممکن است مسیر زندگی‌ات را تغییر بدهد.»
نمونه ۲. «لَا يُخْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهُدُونَ» (نهج البلاغه، خطبه‌ی اول، ص ۳۷)؛ و پیغمبران رسولانی بودند که کمی یاران و بسیاری مخالفان آنان را از تبلیغ رسالت بازداشت. این مثال به این معنی است که پیامبران و فرستادگان خدا با وجود اینکه در راه انجام وظایف خود مخالفانی داشتند؛ اما آنان بر مخالفان فائق آمدند و به رسالت خود ادامه دادند.

حالت دوم به این صورت است که انسان بتواند از کنار مانع عبور کند و به مسیر خود ادامه دهد؛ به‌عنوان مثال، «خودت را درگیر این مخمصه نکن و از کنارش بگذر.» سوم اینکه انسان از میان آن مانع با قدرت عبور کند؛ برای مثال، «شر این مصاحبه را از سرم رد کردم و رفتم بانک استخدام شدم.» سومین نوع طرح‌واره‌ی قدرتی آن است که انسان بتواند مانع را از مسیر حرکت حذف کند و بدون توقف به حرکت خود ادامه دهد؛ به‌عنوان مثال، «برای اینکه مدیر اداره بشوم، همه را کنار زدم و جلو رفتم» (فضائلی و شریفی ۱۳۹۲، ص ۱۳۶).
متأسفانه از موارد بالا مصداقی در میان خطبه‌های بررسی‌شده یافت نشد.

۲-۱-۴- نمونه‌هایی که شامل دو طرح‌واره هستند.

در میان بعضی از خطبه‌ها، نمونه‌هایی مشاهده گردید که همزمان شامل دو نوع از طرح‌واره‌ها می‌شد. نمونه‌هایی در زیر آمده است.

۱. «لَا يَنَالُهُ غَوْضُ الْفِطَنِ الَّذِي لَيْسَ لِصَفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱، ص ۲۳)؛ زیرک‌ها و هوش غواصان (که دریای افکار فرو می‌روند) به عمق جلال و جبروت او نرسند.» این نمونه نیز شامل طرح‌واره‌های (حجمی و قدرتی) است. این مورد به این مطلب اشاره دارد که هرچه انسان به فکر فرورود (حجمی)، توانایی درک همه‌ی نعمت‌های خدا را ندارد (قدرتی).

۲. «الآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَىٰ مُنْتَقَلِهِ» (همان، خطبه‌ی ۲، ص ۴۶)؛ در این هنگام حق به‌سوی اهل خود برگشت و به‌جایی که از آن خارج‌شده بود، منتقل گردید.» این نمونه نیز همانند نمونه‌های بالا شامل چند نوع طرح‌واره (حجمی و حرکتی) است؛ زیرا به سبب غصب خلافت، پس از اینکه خلافت دوباره به دست پیامبر و یارانش افتاد، دوباره حق به‌سوی امت بازگشت (حرکتی)؛ یعنی از جایی که خارج‌شده بود، دوباره برگشت (حجمی). منظور همان مکانی است که متعلق به پیامبر و امتش است.

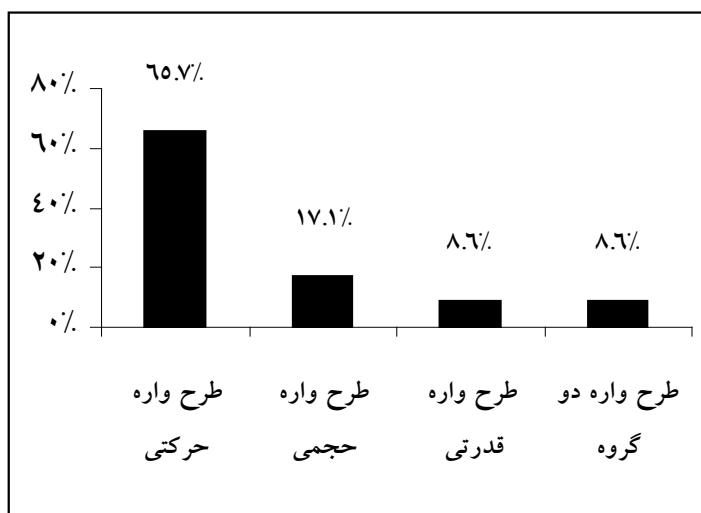
۳. «وَعَدَهُ الْمَرَدَّ إِلَى جَنَّتِهِ وَ أَهْبَطَهُ إِلَى دَارِ الْبَلِيَّةِ وَ تَنَاسَلَ الذُّرِّيَّةُ (همان، خطبه‌ی ۱، ص ۳۳)؛ پس او را به دنیای پر محنت و بلا و محل تناسل و زایشگاه فرزندان فرستاد.» این نمونه شامل طرح‌واره‌های (حرکتی و حجمی) است. این جمله را خداوند درباره‌ی انسان می‌فرماید که پس از رانده شدن انسان از بهشت (حرکتی)، او را به دنیای پر از سختی و بلا و محل تناسل و زایشگاه فرستاد (حجمی).

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده درباره‌ی موضوعات مطرح‌شده در این مقاله، ما می‌توانیم نمودار و جدول زیر را ارائه کنیم. در واقع، ما می‌خواهیم با آمار نشان دهیم که از میان سه امکان یا دسته‌بندی‌های ارائه‌شده، کدام امکان بیشتر و کدام امکان کمترین درصد را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی دسته‌بندی طرح‌واره‌های تصویری در نهج‌البلاغه

ردیف	انواع طرح‌واره	فراوانی	درصد	عناصر شاخص طرح‌واره	مثال
۱	طرح‌واره‌ی حرکتی	۶۹	۶۵/۷	مبدأ و مقصد، مسیر، حرکت و جابجایی	نَشَرَ الرِّیَاحَ بِرَحْمَتِهِ وَ وَثَدَ بِالصُّخُورِ مِیْدَانَ اَرْضِهِ
۲	طرح‌واره‌ی حجمی	۱۸	۱۷/۱	رابطه‌ی ظرف و مظروف	فَتَقَى مَا بَیْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا فَمَلَأَهُنَّ اَطْوَارًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ
۳	طرح‌واره‌ی قدرتی	۹	۸/۶	وجود موانع، قدرت، عبور از مانع، تغییر مسیر، جابجایی مانع، متوقف شدن	لَا يُحْصِي نَعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَ لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ
۴	طرح‌واره‌ی متعلق به دو گروه	۹	۸/۶	ترکیبی از دو یا چند طرح‌واره	لَا يَنَالُهُ غَوْضُ الْفِطْنِ الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ (ترکیب حجمی و قدرتی)
جمع	جمع کل	۱۰۵	۱۰۰		

بر اساس یافته‌های جدول بالا می‌توان گفت، در خطبه‌های نهج‌البلاغه طرح‌واره‌ها تصویری به چهار گروه تقسیم می‌شوند. ۶۷/۷ درصد با بالاترین فراوانی به طرح‌واره‌های حرکتی اختصاص دارند، ۱۷/۱ درصد شامل طرح‌واره‌های حجمی است، ۸/۶ درصد طرح‌واره‌ی قدرتی و ۸/۶ درصد هم شامل طرح‌واره‌ی متعلق به دو گروه است.



نمودار شماره ۱. درصد فراوانی انواع طرح واره ها در نهج البلاغه

همان طور که در جدول و نمودار مشاهده می شود، طرح واره حرکتی (۶۵/۷)، طرح واره حجمی (۱۷/۱)، طرح واره قدرتی (۸/۶) و طرح واره هایی که متعلق به دو گروه هستند (۸/۶)، به ترتیب بیشترین و کمترین میزان بسامد را به خود اختصاص داده اند.

نتیجه گیری

طرح واره های تصویری یکی از مهم ترین ساخت های مفهومی از دیدگاه معنی شناسان شناختی است که در این مقاله کوشش شده است میزان صحت دیدگاهی بررسی شود که با عنوان طرح واره های تصویری مطرح است. یافته ها نشان دادند که هر سه نوع طرح واره های تصویری (قدرتی، حرکتی، حجمی) برای رساندن مفاهیمی به کار گرفته می شوند که در ذهن وجود دارد و در میان آن ها طرح واره های حرکتی و حجمی بیشترین فراوانی و طرح واره های قدرتی و طرح واره هایی که متعلق به دو گروه است، کمترین میزان رخداد را به خود اختصاص داده اند. بسامد بیشتر طرح واره های حرکتی در میان خطبه ها حاکی از بیان حرکت و پویایی در جهان هستی و کائنات است و به قدرت خداوند در خلق جهان اشاره دارد و تجلی این موضوع است که همه چیز در حال گذر و تغییر و زندگی فانی است؛ همچنین تغییر و پویایی لازمه ی حیات و زندگی است و مادامی که انسان و جهان در تغییر است، می توان آن را زنده و پویا دانست. ایستایی و رکود خود مرگ است. از سوی دیگر، طرح واره های حرکتی بیانگر تلاش و تکاپو برای دعوت مردم از سوی خدا و امامانش به سوی اسلام ناب محمدی است؛ همچنین به تلاش پیامبران و امامان برای مبارزه با کفر و ظلم ستیزی اشاره دارد. طرح واره های حجمی پس از طرح واره های حرکتی، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و یکی از مهم ترین طرح واره های تصویری است. با کمک این طرح واره

می‌توان مفاهیم انتزاعی را که دال بر بودن چیزی در چیز دیگر و دلالت ظرف و مظهر در میان این خطبه‌ها است، به‌خوبی درک کرد. انسان از طریق تجربه‌هایش در جاهایی که حکم ظرف دارند، قرار می‌گیرد و بدن خود را مظهر تلقی می‌کند. درنهایت، طرح‌واره‌هایی که به دو گروه از طرح‌واره‌ها تعلق دارند، مشاهده و دسته‌بندی شدند. این نوع از طرح‌واره‌های موجود در نهج‌البلاغه به لحاظ ترسیم و باز نمود احساسات و مفاهیم مجرد، انتزاعی و ذهنی به نحوی فیزیکی و قابل‌درک برای مخاطب حائز اهمیت هستند. بی‌شک استفاده از طرح‌واره‌های تصویری در کلام شیوا و فصیح امام علی^(ع) به درک بهتر مطلب کمک شایانی کرده و درک مفاهیم ذهنی و انتزاعی را برای مخاطب آسان‌تر نموده است. شناسایی و آگاهی از این طرح‌واره‌های تصویری در تفسیر و فهم بهتر مطالب و مضامین راهگشا و کاربردی است. کاربرد انواع متفاوت طرح‌واره‌های تصویری در سخن نشاندهی کلام بلیغ است؛ زیرا هرکدام از آن‌ها به فهم مفاهیم بلند و انتزاعی کمک شایانی می‌کنند و این امر به تأمل بیشتر نیاز دارد و مطالبی که مخاطب پس از تأمل به آن دست می‌یابد، عمق و تأثیر بیشتری دارند. علاوه بر این، استفاده از این طرح‌واره‌های تصویری برای درک عمیق‌تر مضامین و تربیت اخلاقی، به‌نهادینه شدن این مضامین و مکارم اخلاقی در فرد و جامعه کمک می‌کند و موجب هوشیاری افراد و روشن شدن زوایای مبهم می‌گردد، ضمن آنکه جریان تربیت را به جریانی پویا و نقاد بدل می‌کند.

همچنین از مجموعه مطالب مطرح‌شده به این نتیجه می‌رسیم که نهج‌البلاغه از نظر مفاهیم، مضامین و عبارات، بسیار مبسوط و گسترده است و با سایر متون مذهبی و دینی، هنری-ادبی و عرفانی تفاوت دارد؛ زیرا از هر خطبه‌ی آن می‌توان استعاره‌ها و طرح‌واره‌های گوناگونی استخراج کرد که با ساختار آن‌ها مطابقت دارد. در مواردی که طرح‌واره به‌کاررفته است، هدف کمک به مخاطب برای درک مفهوم انتزاعی و تسهیل فرایند تفکر و تجزیه و تحلیل مفهوم مدنظر نهج‌البلاغه است. حضرت علی^(ع) با مثل، تشبیه و کاربرد طرح‌واره‌های تصویری متفاوت، مفاهیم گوناگونی را مطرح کرده است؛ از جمله در خطبه‌ی سه به کمک استعاره‌ی مفهومی، بحث انحرافات سیاسی را آورده که موجب اختلال و تضعیف عدالت اجتماعی است؛ همچنین در جاهای مختلف از جمله در همین خطبه، به‌نوعی بی‌ارزشی دنیا را خاطر نشان کرده و با صراحت بر بی‌ارزش بودن دنیا تأکید داشته و آن را به آب بینی بزغاله تشبیه نموده است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آملی، عزالدین؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ قم: امور فرهنگی و اجتماعی آستان قدس رضوی، ۱۳۵۵ ش.
- ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغه؛ ج ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن میثم، علی بن میثم بحرانی؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، تهران: الکتاب، ۱۳۶۲ ش.
- بیابانی، احمد رضا؛ «بررسی استعاره‌ی جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری در شعر شاملو»؛ پژوهش‌نامه‌ی نقد ادبی، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۱ ش.
- جانسون، امیلی؛ مفهوم و استعاره؛ ترجمه‌ی احمد نیکزاد؛ تهران: کوشش، ۱۳۶۵ ش.
- خزائی، محمدعلی؛ شرح و تفسیر چهل خطبه نهج البلاغه؛ قم: اجر، ۱۳۸۶ ش.
- دشتی، محمد؛ ترجمه‌ی نهج البلاغه؛ قم: یاسین، ۱۳۸۴ ش.
- ذوالفقاری، اختر و عباسی، نسرین؛ «استعاره‌ی مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار ابن خفافه»؛ پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال ۳، ۱۳۹۴ ش.
- زمانی، مهدی؛ «تفکیک ساخت‌های احساسی و ارادی تقوا در نهج البلاغه و تعامل آن‌ها با ساخت‌های باور، کردار و گفتار»؛ آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، ۱۴۰۰ ش.
- سعیدی، فاطمه، زینوند لریستانی، ربابه و رضازاده جودی، مهدی؛ «تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج البلاغه با نگاهی به نظریه‌ی زاگزبسکی»؛ آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، ۱۴۰۰ ش.
- شاری از قرن هشتم؛ شرح نهج البلاغه؛ مصحح مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، انتشارات قم؛ ۱۳۷۵ ش.
- فتوحی، محمود؛ سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها؛ تهران: سخن، ۱۳۹۰ ش.
- فضائلی، سیده مریم و شریفی، شهلا؛ «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی»؛ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، شماره‌ی ۸، ۱۳۹۲ ش.
- فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، تهران: فقیه، کانون پژوهش، ۱۳۷۵ ش.
- گلفام، ارسلان؛ زبان‌شناسی شناختی و استعاره؛ تازه‌های علوم شناختی، شماره‌ی ۱۵، ۱۳۸۱ ش.
- صالحی، پیمان، افشار، طاهره و ثباتی، الهام؛ «بررسی زبان‌شناختی تشبیهات تربیتی در داستان‌های قرآنی با تکیه بر رویکرد استعاره‌ی ساختاری لیکاف و جانسون»؛ آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، ۱۴۰۰ ش.
- صفوی، کوروش؛ درآمدی بر معنی‌شناسی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۸۷ ش.
- _____؛ «بحثی درباره‌ی طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسان شناختی»؛ فرهنگستان، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۸۲ ش.
- _____؛ درآمدی بر معنی‌شناسی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۸۱ ش.
- محمدی آسیابادی، علی؛ صادقی، اسماعیل؛ طاهری، معصومه؛ «طرح‌واره‌های حجمی و کاربرد آن در زبان عرفانی مبینی»؛ پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال ۶، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۱ ش.

- francisco, Santibanez. (2002). the Object Image-Schemas and Other Dependent Schemas, Atlantis: Revista de la Asociación Española de Estudios Anglo-Norteamericanos, ISSN 0210- 6124, Vol. 24, No 2, 183- 202.
- Johnson, M. (1987).The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination Reason. Chicago: Univ. of Chicago Press.
- Lakoff, G. and M. Johnson, (1980), Metaphors We Live By. Chicago: Univ. of Chicago Press; 1980
- Lakoff, G, The contemporary theory of metaphor, In A. Ortony) Ed., Metaphor and thought, Second edition, Cambridge: University Press Cambridge, 1993.
- Velasco, O. I. D. (2001). Metaphor, metonymy and image-schemas: an analysis of conceptual interaction patterns. Journal of English studies, (3), 47- 64.